

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
زبان‌شناسی همگانی

موضوع :

مجهول در فارسی امروز

نگارش :

کیوان زاهدی

استاد راهنما :

دکتر محمد دبیر مقدم

استاد مشاور :

دکتر یحیی مدرسی

تهران / ایران

بهمن ماه ۱۳۷۴

پیل اندر خانه تاریک بود
از برای دیدنش مردم بسی
دیدنش با چشم چون ممکن نبود
آن یکی را کف بخرطوم اوفتاد
آن یکی را دست بر گوشش رسید
آن یکی را کف چو بر پایش بسود
آن یکی بر پشت او بنهاد دست
همچنین هریک به عضوی چون رسید
از نظر چون گفتشان بد مختلف
در کف هرکس اگر شمعی بدی
چشم حس همچون کف دستست و بس
چشم دریا دیگرست و کف دگر
جنبش کفها ز دریا روز و شب

عرضه را آورده بودندش هنود
اندر آن ظلمت همی شد هر کسی
اندر آن تاریکی کف می بسود
گفت همچون ناودانستش نهاد
آن بر او چون بادبیزن شد پدید
گفت شکل پیل دیدم چون عمود
گفت خود این پیل چون تختی بده است
فهم آن می کرد هر جا می شنید
آن یکی دالش لقب داد آن الف
اختلاف از گفتشان بیرون شدی
نیست کف را بر همه آن دسترس
کف بهل واز دیده در دریا نگر
کف همی بینی و دریا نی عجب

مثنوی مولوی

ولی باید بگذارم که آن مقدار کوچکی که آموخته ام در روزگار پیش برود تا شاید کسی که بهتر از من است بتواند حقیقت را حدس بزند ، و در آثار خود خطای مرا ثابت کند و مرا مورد سرزنش قرار دهد. و چون چنین شود من از آن خوشحال خواهم شد که خود وسیله ای برای آن بوده ام که این حقیقت در روشنی قرار گیرد.

آلبرشت دورر

اکنون می توانم حتی از تکذیب و تخطئه نظریه ای که برای من عزیز بود ، شادمان شوم ، چه حتی این نیز یک کامیابی علمی است.

جان کاریو اکلز

به یاد پدرم

محسن زاهدی

(۱۳۱۰-۱۳۷۱)

که همواره در خاطر من زنده خواهد بود

سپاسگزاری

در آغاز زحمات استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر محمد دبیر مقدم را سپاسگزارم که وقت پر ارج خویش را صرف راهنمایی این پایان نامه نمودند و رنج خواندن و تصحیح نوشته هایم را بر خود روا داشتند. اگر وجود این فرهیخته نبود هیچگاه به مرحله نگارش این پایان نامه نمی رسیدم. هر آنچه از زبانشناسی می دانم از این استاد گرانمایه است.

همچنین رهنمودهای استاد گرانمایه جناب آقای دکتر مدرسی را که استاد مشاور این پایان نامه می باشند سپاس می نهم. نه تنها به هنگام نگارش این پایان نامه، که همواره در طول مدت تحصیل دلسوزانه و با بردباری مرا یاری نمودند. نگارش و تنظیم تحقیق نیمه تجربی این پایان نامه — فصل ششم — را مدیون این استادام هستم.

مادرم را، امید و فروغ زندگانی ام را، سپاس می دارم که همواره با عشق بی دریغ خود به زندگی ام معنی و گرمی بخشیده است.

همسرم را، که در کشتی طوفان زده زندگی ام مرا صادقانه یار گشته است و بار سنگین زندگی مشترکمان را بر دوش می کشد سپاسگزارم.

زحمات خانم ایرانپور را نیز صمیمانه ارج می نهم که با بردباری تمام رنج تایپ کامپیوتری این پایان نامه را به جان خرید. اگر وجود او نبود این پایان نامه هیچگاه به دیده نمی آمد.

در پایان دوست عزیزم آقای افشین پارسا را سپاس می گویم که مرا در تهیه و ترسیم اشکال (نمودارهای) فصل ششم یاری نمود.

نگارش این پایان نامه را این واقعیت برانگیخت که وجود ساختی دستوری به نام مجهول در فارسی (نوبین) امروز از زمان انتشار مقاله جان معین در سال ۱۹۷۴ موضوعی بحث برانگیز شده است. در این مقاله معین اعلام می دارد که چنین ساختی در فارسی امروز وجود ندارد و آنچه در این زبان به عنوان مجهول شناخته شده است در حقیقت ساخت ناگذرا (inchoative) می باشد.

اگرچه این ادعای معین را دبیر مقدم (۱۳۶۴، ۱۹۸۲) با دقت و هوشمندی پاسخ گفته است^۱ اما مقاله وی نیز از دو جنبه دارای محدودیت است: اول آنکه استدلالهای توصیفی / همزمانی وی در چارچوب نحوگشتاری تنظیم گردیده است^۲ و دوم آنکه وی در این مقاله به شناسایی و توصیف جامع گونه های مختلف این ساخت در فارسی معاصر نمی پردازد.

بدین ترتیب، هدف اول، و نه الزاماً اصلی، در نگارش این پایان نامه نشان دادن تمایز دو ساخت مجهول و ناگذرا از یکدیگر در فارسی معاصر است. در واقع نشان داده می شود که ساخت مجهول و ناگذرا به ترتیب به دستگاه متعدی (Transitive System) -- که دستگاهی کنش گر است -- و دستگاه ارگتیو (Ergative System) -- که دستگاه سبب سازی / انگیزگی (Instigation) است -- تعلق دارند.

در ادامه، عنوان می گردد که دو مقوله انفعال دستوری (passivity) و مجهول (passive) را که به ترتیب به عنوان مشخصه / معیاری معنایی / کاربردی و فرآیندی دستوری شناخته می شوند می بایست از یکدیگر باز شناخت. بدین صورت که دومی صرفاً یکی از دو مکانیسم ایجاد اولی است.^۳

^۱ در واقع می توان گفت که مقاله دبیر مقدم تنها پاسخ رسمی است که به دیدگاه ارائه شده توسط معین داده شده است.

^۲ وجود گشتار در حوزه نحو از زمان انتشار تک نگاشت (monograph) جامسکی (۱۹۹۲) به بعد در دستور زایشی غیر قابل توجیه شمرده می شود.

^۳ دیگر مکانیسم انفعال دستوری، ساخت غیر شخصی دانسته شده است.

در واقع ، در این پایان نامه پیشنهاد می گردد که دو فرآیند دستوری مجهول سازی و غیر شخصی سازی را می بایست دو مکانیسم مختلف انفعال دستوری دانست که در هر دو فرآیند تنزل فاعل / عامل کنش گر (subject/agent demotion) مشترک می باشد ولی در اولی فرآیند ترفیع مفعول (object promotion) صورت می گیرد در حالیکه چنین ترفیعی در دومی رخ نمی دهد.

همچنین با نشان دادن این حقیقت که در فارسی معاصر در تمامی ساختهایی که فعل در آنها به صورت مجهول دیده می شود الزاماً ترفیع مفعول به جایگاه فاعل صورت نگرفته است اعلام می گردد که می بایست دو گونه بینابینی مجهول غیر شخصی (impersonal passive) را نیز به عنوان دو زیر مقوله ساختهای اصلی مجهول و غیر شخصی در نظر گرفت.

در این پایان نامه دو فرض سنتی نیز درباره فارسی معاصر تأیید می گردد: اول آنکه در این زبان مجهول سازی محدود به ترفیع مفعول صریح می گردد و دوم آنکه این فرآیند در فارسی معاصر ، برخلاف فارسی نوین کلاسیک (فارسی دری) ، نمی تواند بر فعل لازم عمل نماید.

پیرامون عدم ترفیع مفعول های دیگر و در نتیجه مجهول نشدن آنها نیز به دو ویژگی فاعل - تهی (pro-drop, null-subject) بودن و مبتدا - محور (topic - prominent) بودن فارسی معاصر اشاره می گردد و همسو با غلامعلی زاده (۱۳۷۲) اعلام می گردد که این خلأ را فرآیند نحوی - کلامی دیگری در فارسی معاصر --- که بر بسامد نیز می باشد --- پر می نماید که آنرا مبتدای سازی (topicalization) می خوانند.

سپس پایان نامه به طبقه بندی گونه های مختلف مجهول می پردازد. در این امر دو معیار کلی در نظر گرفته می شود: یکی نوع سازه ها و شکل ساختارهای آنها -- اسم، صفت مطلق یا صفت مفعولی: عربی یا فارسی -- و دیگری وجود یا عدم وجود عبارت کنادی (by-phrase).

در ادامه همچنین نشان داده می شود که بر بسامدترین گونه مجهول در فارسی معاصر گونه مجهول اسمی بدون عبارت کنادی است. در اثبات این موضوع نیز تحقیقی نیمه تجربی پیرامون توزیع نسبی رخداد ساختهای معلوم و مجهول از یک سو و گونه های مختلف مجهول از سویی دیگر در هر دو نمود گفتاری و نوشتاری زبان رسانه ها صورت می گیرد. تحدید اطلاعات مورد بررسی به پیکره زبان رسانه ها به دلیل امکان پذیری (feasability) تحقیق انجام می گیرد که به نوبه خود نشان می دهد داده های مورد استفاده در این پایان نامه همگی متعلق به فارسی معیار امروز (Standard Contemporary Modern Persian) می باشد.

علاوه بر مسائل مذکور، پایان نامه شامل ملاحظاتی نیز می گردد که در حوزه همگانیهای زبانی قرار می گیرند. دو مورد از این ملاحظات به طور اخص پیرامون مجهول سازی آند و دو مورد دیگر به طور اعم مربوط به نظریه پردازای زبانی می گردند.

پیرامون فرآیند مجهول سازی می توان چنین نتیجه گیری نمود که سبب وجود چنین ساختی در اساس تنزل فاعل / عامل کنش گر است که خود باعث ترفیع مفعول به جایگاه فاعل می گردد. دیگر آنکه آنچه این فرآیند را بطور اعم و بودن یا نبودن عبارت کنادی را بطور اخص کنترل می نماید عوامل طرح - بافتی (schematics) کلام است.

درباره نظریه پردازای زبانی نیز می توان چنین نتیجه گرفت: اول آنکه در ارائه هر توصیف و توضیح جامع و کارآمد در زمینه پدیده های گوناگون زبانی می بایست هر دو دستگاه متعدی و ارگتیو را به عنوان دو

دستگاه مکمل ساختار زبانی در نظر گرفت بدین ترتیب که در توصیف و توضیح هر ساخت زبانی می بایست نحوه و نسبت دخالت هر یک را مشخص نمود. دوم آنکه در توصیف و توضیح پدیده های زبانی نه تنها می توان از دیدگاهی نقش گرایانه / کلامی بهره برد بلکه ارائه توجیحات نقش گرایانه / کلامی در نظریه ساخت زبان ، کاربرد و یادگیری آن غیرقابل اجتناب می باشد.

البته باید متذکر گردید که اگرچه این پایان نامه در اساس بر پایه نظریه ای نقش گرا -- نظریه سازگانی (Systemic Grammar)-- استوار گردیده است اما نگارنده آن تمامی سعی خود را بکار بسته است تا از اعمال هر گونه جهت گیری غیر اصولی در توصیف و توضیح های ارائه شده خودداری نماید و در مقابل تا حد امکان به داده های زبانی موجود پایبند بماند.

vi	سیاسنگزاری
vii	چکیده
۱	۱ مقدمه
۲	۰-۱ انگیزه و هدف
۳	۱-۱ ساختار پایان نامه
۵	۲-۱ محدودیت های پایان نامه
۶	۲ نگاهی گذرا به مجهول در زبانشناسی همگانی
۷	۰-۲ طبقه بندی
۷	۱-۲ رده شناسی زبانی و همگانیهای زبان
۹	۲-۲ چارچوب های نظری توصیف و توضیح
۱۶	۳-۲ مقوله های صوری : طبقه بندی مقوله ای انواع صورتها
۲۲	۴-۲ انگیزش های کارکردی
۲۴	۵-۲ مجهول و تعدی
۲۷	۳ پیش نگاهی به مجهول در سه نظریه زبانی متاخر
۲۸	۰-۳ مقدمه
۲۸	۱-۳ مجهول از دیدگاه نظریه گشتاری : از ساختهای نحوی تا نظریه حاکمیت و وابستگی
۳۲	۲-۳ مجهول از دیدگاه دستور رابطه ای
۳۵	۳-۳ مجهول از دیدگاه دستور سازگانی
۴۲	۴ مجهول در زبان فارسی
۴۳	۰-۴ مقدمه
۴۴	۱-۴ دستورهای تجویزی / آموزشی تألیف شده توسط دستور نویسندگان ایرانی
۵۱	۲-۴ دستورهای تجویزی / آموزشی تألیف شده توسط دستور نویسندگان غیر ایرانی

۵۴	۳-۴ دستور ها / تحلیل های توصیفی زبانشناسان ایرانی
۷۳	۴-۴ دستورها / تحلیل های توصیفی زبانشناسان غیر ایرانی
۷۵	۵ مجهول سازی : یکی از فرآیندهای انفعال دستوری
۷۶	۰-۵ مقدمه
۷۷	۱-۵ انفعال دستوری : مجهول سازی و غیر شخصی سازی
۸۲	۲-۵ انفعال دستوری در مقابل ناگذرایی : دیدی آمیخته نسبت به دستگاه تعدی در زبان فارسی
۸۳	۳-۵ فعل های لازم : فرآیند مجهول سازی در فارسی معاصر
۸۶	۴-۵ الگوهای مجهول سازی در فارسی معاصر
۹۰	۵-۵ تعریف فاعل و مفعول
۹۱	۶-۵ متعدی و ارگتیو : دو دستگاه مکمل گزاره پردازی
۹۵	۶ مجهول و پیکره زبانی رسانه ها در فارسی معاصر
۹۶	۰-۶ مقدمه
۹۶	۱-۶ زبان رسانه ها : پیکره نوشتاری
۱۰۳	۲-۶ زبان رسانه ها : پیکره گفتاری
۱۰۷	۳-۶ پیکره زبانی رسانه ها : مقایسه و مقابله دو نمود گفتاری و نوشتاری
۱۱۰	۴-۶ تحلیل داده ها
۱۱۵	خاتمه
۱۱۹	ضمیمه
۱۲۵	واژه نامه
۱۴۰	کتابنامه

فهرست جداول و اشکال

۹۸	جدول ۱	توزیع نسبی ساختهای معلوم در مقابل مجهول در همشهری
۹۹	جدول ۲	توزیع نسبی گونه های ساخت مجهول در همشهری
۱۰۰	جدول ۳	توزیع نسبی ساختهای معلوم و مجهول در کیهان
۱۰۱	جدول ۴	توزیع نسبی گونه های ساخت مجهول در کیهان
۱۰۲	جدول ۵	توزیع نسبی ساختهای معلوم و مجهول در نمود نوشتاری
	جدول ۶	توزیع نسبی ساختهای معلوم و مجهول و گونه های ساخت مجهول
۱۰۴		در میز گرد
	جدول ۷	توزیع نسبی ساختهای معلوم و مجهول و گونه های ساخت مجهول
۱۰۵		در مصاحبه
	جدول ۸	توزیع نسبی ساختهای معلوم و مجهول و گونه های ساخت مجهول
۱۰۵		در تک گویی
۱۰۶	جدول ۹	نمود گفتاری : مجموع و میانگین
۱۰۸	جدول ۱۰	نمود گفتاری و نوشتاری مقایسه نتایج
۱۲۳	جدول ۱۱	کاربرد گونه های ساخت مجهول : مقادیر مجذور خی (χ^2)
۱۰۲	شکل ۱	توزیع نسبی ساختهای معلوم و مجهول در نمود نوشتاری
۱۰۳	شکل ۲	توزیع نسبی گونه های ساخت مجهول در نمود نوشتاری
۱۰۶	شکل ۳	توزیع نسبی ساختهای معلوم و مجهول در نمود گفتاری
۱۰۷	شکل ۴	توزیع نسبی گونه های ساخت مجهول در نمود گفتاری
۱۰۸	شکل ۵	توزیع نسبی ساختهای معلوم و مجهول در دو نمود گفتاری و نوشتاری
۱۰۹	شکل ۶	توزیع نسبی گونه های ساخت مجهول در دو نمود گفتاری و نوشتاری
۱۰۹	شکل ۷	توزیع نسبی ساختهای غیر شخصی در دو نمود گفتاری و نوشتاری

فصل اول

۱-۰ انگیزه و هدف

چندی است که وجود ساختی زبانی به نام مجهول در زبان فارسی بحث بر انگیز شده است به خصوص از زمانی که معین (۱۹۷۴) به صراحت ادعا کرد که به عنوان نتیجه، شواهدی که در این مقاله ارائه گردید دال بر این است که تقابل معلوم - مجهول در زبان فارسی وجود ندارد ... اما در این زبان برخی ساختهای ناگذرا [inchoative structures] همراه با فعل شدن یافت می شود.

هر چند مجهول در زبان فارسی توسط دستوریان سنتی، گشتاری و غیر گشتاری قبل از ادعای معین مورد مطالعه قرار گرفته بود، اما چنین به نظر می رسد که مقاله وی مورد نقد و بررسی رسمی هیچ زبانشناسی قرار نگرفت مگر دبیرمقدم (۱۹۸۲) که در مقاله خود از دو جنبه شواهد تحول تاریخی و داده های موجود در زبان فارسی به بحث و نقد ادعای ذکر شده می پردازد و چنین نتیجه می گیرد که "در فارسی مجهول به عنوان مقوله ای نحوی وجود دارد و نحوه شکل گیری آن بوسیله قاعده ای گشتاری است.

با این وجود، اگرچه انتقادهای وارده توسط دبیر مقدم بسیار دقیق و با ذکاوت تمام تدوین گردیده است، اما متکی بر گشتارگرایی نحوی (syntactic transformationalism) است که خود به تازگی توسط پایه گذار آن نوام چامسکی (۱۹۹۲) مردود شمرده شده است. علاوه بر این، تحلیل ارائه شده از سوی دبیرمقدم به لحاظ گستره آن محدود می باشد بدین معنی که گونه های مختلف ساخت مجهول را در فارسی در بر نمی گیرد. (ر.ک. فصل چهارم)

از سوی دیگر، بررسی های بیست و پنج سال گذشته که این سو و آن سو پیرامون گونه گونی صرفی - نحوی زبانهای مختلف صورت گرفته است نشانگر آن است که آن سری از پدیده های زبانی که به آنها به طور مکرر استناد شده است به اندازه کافی مورد تحقیق قرار نگرفته اند و بسیاری از ویژگیهایی که

به طور سنتی با این پدیده‌ها مرتبط گردیده‌اند در تمامی زبانها مصداق ندارند [و یا همانند نمی‌باشند] (سی ویرسکا ۱۹۸۴ : ۱). این امر به طور اساسی بدین سبب است که اینگونه بررسیها تحت تأثیر یک نظام زبانی خاص مانند زبان انگلیسی صورت پذیرفته‌اند و در نتیجه به لحاظ ماهیت تا حدودی یکسویه و نادقیق می‌باشند.

به علاوه، از آنجا که برخی مفاهیم و مقوله‌های صرفی - نحوی - مانند تعدی (transitivity) و فاعلیت (subjecthood) -- به طور جهانی شناخته شده می‌باشند، چنین انتظار می‌رود که برای هر یک بتوان تعریفی معتبر (valid) و پایا (reliable) یافت. در صورتیکه در اغلب موارد برخلاف انتظار یاد شده صرفاً بدیهی انگاشته شده‌اند و یا تعریفهایشان دارای ابهام و دچار دور و همانگویی است.

بدین سبب، هدف از نگارش این پایان‌نامه در قدم اول ارائه تعریفی عملیاتی (operational) از ساخت مجهول و مفاهیم و مقوله‌های مربوط به آن است و در قدم بعدی تبیین وجود چنین ساختی در زبان فارسی و متعاقباً توصیف و توضیح آن به لحاظ گونه‌ها و کارکردهای آن می‌باشد.

۱-۱ ساختار پایان‌نامه

این پایان‌نامه علاوه بر این فصل مقدماتی شامل پنج فصل دیگر، خاتمه، یک ضمیمه، واژه‌نامه و کتابنامه می‌گردد.

فصل دوم نگاهی است گذرا به ساخت مجهول و فرآیند مجهول سازی به ویژه از نقطه نظر رده شناسی زبان و همگانیهای زبانی. فصل سوم شامل پیش‌نگاهی بر ساخت مورد نظر است از دیدگاه سه دستور متأخر که بطور مکرر در آثار زبانشناسی به آنها ارجاع داده شده است. این سه دستور عبارتند از:

۱- دستور زایشی - گشتاری (Generative-Transformational Grammar)

۲- دستور رابطه ای (Relational Grammar)

۳- دستور سازگانی (Systemic Grammar)

قصد از وجود چنین پیش نگاهی آن است که بتوان درک بهتری از تحلیلهای اخیر و همچنین تحلیل ارائه شده در این پایان نامه از ساخت مجهول را سبب شد. سپس فصل چهارم به بررسی اجمالی ولی تا حد امکان جامع از تحلیل ها و بررسی های انجام شده پیرامون ساخت مجهول و فرآیند مجهول سازی در زبان فارسی می پردازد. در واقع سه فصل دوم ، سوم و چهارم بر روی هم بررسی پیشینه (review of literature) این پایان نامه را تشکیل می دهند. پس از انجام بررسی مذکور ، پایان نامه در فصل پنج بررسی های انجام شده در زبان فارسی را به نقد خود می کشد و سر آخر تحلیل خود را از این ساختار زبانی ارائه می نماید که در اساس گونه ای است اصلاح شده ، اما در عین حال از برخی جهات نوآورانه.

برای آنکه بتوان استدلالهای انجام شده را با داده های طبیعی زبانی مطابقت داد و بدینوسیله آنها را تجربه - بنیاد نمود ، فصل ششم به گردآوری نتایج تحقیقی نیمه تجربی در زمینه توزیع کاربرد هر یک از گونه های ساخت مجهول در دو نمود زبانی -- گفتاری و نوشتاری -- می پردازد . باید متذکر گردید بدلیل تعدد سبکها و گونه های زبانی ، تحقیق نیمه آماری فوق الذکر به زبان رسانه ها محدود شده است. برخی از جمله های مجهول موجود در پیکره زبانی رسانه های مورد استفاده نیز به عنوان داده های برگزیده با رخداد طبیعی در ضمیمه ای به پیوست در پایان نامه آمده است.

در پایان نیز بخشی نه به عنوان یک فصل بلکه با نام خاتمه به پایان نامه افزوده شده است که در آن نگارنده پایان نامه به مروری کوتاه بر نتایج حاصل از فصل های گذشته می پردازد.

۲-۱ محدودیت های پایان نامه

۱- از آنجا که این پایان نامه ماهیتی توصیفی دارد بنابراین اساساً تحلیلی همزمانی است.

۲- تحلیل ارائه شده در این پایان نامه داده - بنیاد است تا نظریه - بنیاد . در واقع نگارنده بر این باور است که نه نگرشی صرفاً صورتگرایانه (formalistic) و نه نگرشی مطلقاً نقش گرایانه (functionalistic) به زبان هیچ یک نمی توانند تمامی واقعیت موجود را درباره زبان و ساخت و کار آن روشن نمایند.

بدین سبب ، نگارنده در این پایان نامه در جستجوی حدی است واقع گرایانه و بینابین این دو نگرش افراطی تا در نتیجه آن بتواند تحلیلی غیر مغرضانه از پدیده های زبانی - در اینجا ساخت مجهول - ارائه نماید. در واقع از آنجا که وی معتقد است صورتهای زبانی و نقش های آنها سازه های مکمل زبان می باشند سعی دارد از تحمیل هرگونه چارچوب نظری یکسویه که منجر به قالب گیری غیر واقع بینانه داده های زبانی می گردد اجتناب ورزد . هرچند ، این بدان معنی نمی باشد که وی از یافته ها و دستاوردهای نظریه های زبانی بهره نجوید.

۳- داده های زبانی مورد نظر در این پایان نامه متعلق به فارسی امروز معیار است. همچنین ، هر دو صورت گفتاری و نوشتاری آن مدنظر قرار دارد بدین صورت که در فصل ششم رخدادهای برخی گونه های ساخت مجهول نسبت به یکدیگر در محدوده زبان رسانه ها در ارتباط با هریک از دو صورت زبانی نامبرده شده ارائه می گردد.

فصل دوم

۲-۰ طبقه بندی

تمامی مطالعات و بررسی هایی را که در زمینه ساختهای مجهول تاکنون انجام شده است می توان از یک یا بیش از یکی از دیدگاههای زیر طبقه بندی نمود:

- (i) رده شناسی زبان و همگانیهای زبانی
- (ii) چارچوبهای نظری توصیف و توضیح
- (iii) مقوله های صوری : طبقه بندی صوری گونه های ساختاری
- (iv) انگیزشهای کارکردی

۲-۱ رده شناسی زبانی و همگانیهای زبان

انجام هرگونه بررسی رده شناختی دو نوع کار متفاوت را در بر دارد : اول آنکه می بایست مقوله های دستوری را در زبانهای مختلف شناسایی و بررسی نمود و دوم آنکه می بایست از مطابقت آنها در یکسانی و یا وجود وجوه شباهت میان آنها صحنه گذارد و سپس زبانها را براساس ملاکهای بدست آمده تطبیقی رده بندی نمود. لیکن هریک از شناسایی ها و همانندسازی ها با دیگری در اساس متفاوت می باشد.

در هرزبانی هر مقوله ای براساس ساخت و ویژگیهای همان زبان شناسایی و تعریف می گردد و در نتیجه ، با این وصف ، زبان - مقید است، [در حالیکه] همانند سازی [مقوله های دستوری] بین زبانها براساس ویژگیهای ... مشترک صورت می پذیرد. (بالمر ۱۹۸۶: ۲-۳)

در این رابطه، زبانشناسانی که به بررسی ساخت مجهول پرداخته اند را می توان برحسب نوع بررسی و توصیفشان از ساخت مذکور به دو گروه اصلی تقسیم بندی کرد: برخی ویژگیهای همگانی را برای ساخت مجهول و فرآیند مجهول سازی قائل اند و در نتیجه توصیف و تبیین ساختهای گوناگونی که در زبانهای مختلف مجهول قلمداد می گردند را در قالب همان ویژگیها جستجو می نمایند. این گروه را زبانشناسان همگانی گرا (universalists) می نامند.

در مقابل گروهی دیگر از زبانشناسان معتقدند^۱ بررسی و تحلیل ساختهای گوناگونی که مجهول خوانده می شوند نشان می دهد که حتی یک ویژگی مشترک را در این ساختها نمی توان یافت^۲ (سی ویرسکا ۱۹۸۴: ۱). این گروه، زبانشناسان ضد همگانی گرا نامیده شده اند.

اما در این پایان نامه نگارنده نشان خواهد داد اگرچه مجهول ساختی همگن بنظر نمی رسد لیکن در زبانهای دنیا نقشی همانند را ایفا می نماید که همانا تنزل نقش عامل/کنش گر (agent demotion) می باشد. همچنین وی با اشاره به برخی توصیفهای مغلطه آمیز و در نتیجه گمراه کننده از مجهول که در آنها تحلیل این ساخت در یک زبان از نظر گاه و مطابق با ساختی که در زبانی دیگر مجهول نامیده شده صورت پذیرفته است روشن خواهد ساخت^۳ از آنجا که میان زبانها تفاوتهای متغیر -- مدارانه (parametric) وجود دارد عوامل صوری شکل گیری ساخت مجهول و همینطور وسعت آن می تواند کاملاً از زبانی به زبان دیگر تفاوت داشته باشد.^۴ (هواکسترا [۱۹۸۴] ۱۹۸۷: ۱۶۲)

شایان ذکر است که ساخت مجهول در نظر زبانشناسان همگانی گرا یک همگانی نسبی (relative universal) قلمداد می گردد. این بدان معنی است که این ساخت -- یا هر ساخت دیگری که چنین باشد -- گرایشی عمومی بین زبانها می باشد و از اینرو انتظار آن می رود که در برخی زبانها یافت نشود. لیکن، اگر در زبانی وجود داشته باشد تحت حاکمیت عوامل متغیر (parameters) خاصی قرار دارد.

۲-۱-۱ همگانیهای ساخت مجهول و فرآیند مجهول سازی

از آنجا که همگانیهای ساخت مجهول و فرآیند مجهول سازی در دستورهای مختلف متفاوت می باشد این مبحث در بخش بعدی این پایان نامه مورد بررسی قرار می گیرد.

۲-۲-۲ چارچوبهای نظری توصیف و توضیح

بنظر می رسد ساخت مجهول یکی از اولین ساختهای زبانی باشد که بطور سنتی در هر نظریه زبانشناختی جدیدی به توصیف آن همت گمارده می شود. در واقع ، می توان گفت دستورههای متعددی که عرصه زبانشناسی را در چهل سال گذشته متصرف نموده اند به نحوی از مطالعه و تحلیل همین ساخت زبانی شکل گرفته ، رشد و تکامل یافته اند.

به عنوان مثال ، جامسکی (۱۹۵۷) برای آنکه نشان دهد مفاهیم اولیه دستور گروه ساختی (phrase structure grammar) از کارایی کافی برای توصیف پدیده های زبانی برخوردار نمی باشد و می بایست به آنها قواعد گشتاری (transformational rules) افزوده شود مبحث ساخت مجهول را به همراه همپایگی (conjunction) و خوشه های فعلی (auxiliary-verb clusters) مطرح می سازد (صص ۴۳ - ۴۲ و ۸۱ - ۷۷)

همچنین ، برزنن (۱۹۸۲) به عنوان اولین و اساسی ترین بحث خود برای مطرح ساختن دستور تازه خود به نام دستور واژه ای - تابعی/نقشی (Lexical Functional Grammar) در مقاله اش با عنوان